خبر

بررسی حملات تلافی‌جویانه علیه روسیه توسط تیم بایدن

● نشریه نیوزویک در مطلبی با اشاره به حملات سایبری گسترده به نهادهای مهم کلیدی آمریکا که گفته می‌شود از سوی روسیه انجام شده، از اقدام تیم جو بایدن، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا برای بررسی پاسخ تلافی‌جویانه به مسکو و تحریم‌های جدید مالی علیه آن خبر داد. به گزارش ایرنا، خبر هک گسترده نهادهای آمریکایی، یکشنبه گذشته پس از دسترسی هکرها به نرم‌افزار «سولار وینـدز» SolarWinds (یک شرکت آمریکایی سازنده نرم‌افزار) از ماه مارس منتشر شد. آژانس امنیت سایبری و زیرساخت امنیت (CISA) تحت وزارت امنیت داخلی روز پنجشنبه هشدار داد که این حمله سایبری «خطری جدی» برای دولت آمریکاست. خبرگزاری رویترز هم دیروز یکشنبه به نقل از منابع ناشناس گزارش داد که تیم بایدن گزینه‌های خود را برای پاسخ تلافی‌جویانه به هکرهای روس ارزیابی می‌کند. گزارش شده است که این گزینه‌ها شامل حمله سایبری علیه زیرساخت‌های روسیه و تحریم‌های مالی جدید علیه این کشور رقیب است. بایدن هم در بیانیه‌ای که روز پنجشنبه منتشر شد بدون اشاره خاص به نام روسیه برای دست‌داشتن در این حمله سایبری گفت: «من می‌خواهم به صراحت بگویم: دولت من امنیت سایبری را اولویت اصلی قرار خواهد داد و ما این رخنه امنیتی را اولویت اصلی خود قرار می‌دهیم. ما امنیت سایبری را به‌عنوان یک ضرورت در سطح دولت بالا خواهیم برد، مشارکت با بخش خصوصی را بیشتر تقویت می‌کنیم و سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌ها و پرسنل مورد نیاز را گسترش می‌دهیم. هم‌زمان شرکت سولار ویندز اعلام کرده است که حدود ۱۸ هزار مشتری، بدافزاری را که توسط هکرها بارگذاری شده بود، بارگیری کردند. گزارش شده است که آژانس‌های دولتی از جمله وزارت امنیت داخلی، وزارت خزانه‌داری، وزارت بازرگانی، وزارت دفاع و چندین سازمان دیگر به خطر افتاده‌اند. آژانس امنیت سایبری هشدار داده است که شواهدی درباره هک‌های دیگر وجود دارد که به نرم‌افزار سولار ویندز ارتباطی ندارند.

توافق کنگره آمریکا بر سر بودجه کمکی

چک‌های ۶۰۰دلاری در وجه مردم

● رهبران دو حزب عمده آمریکا در کنگره بالاخره بعد از ماه‌ها مذاکره، بر سر بودجه کمکی به مردم این کشور به تفاهم رسیدند. کل بودجه بالغ بر ۹۰۰ میلیارد دلار ارزش دارد و بنا بر آن بسیاری از مردم این کشور مستقیم از دولت پول می‌گیرند. به گزارش بی‌بی‌سی، دولت آمریکا قرار است این بودجه را خرج کسانی کند که شغلشان را از دست داده‌اند و به‌شدت به کمک‌خرج‌های دولت احتیاج دارند. بخشی از پول به کسب‌وکارهای کوچک می‌رسد و بخش دیگری به بیمارستان‌ها و مدارس و بخشی هم صرف توزیع واکسن کرونا می‌شود. میچ مک‌کانل، رئیس فراکسیون جمهوری‌خواهان در مجلس سنا و چاک شومر، رئیس اقلیت دموکرات شامگاه یکشنبه اعلام کردند که دولت برای یاری به افراد بی‌کار و نیازمند بودجه کافی در نظر گرفته است. در رأس یاری‌ها کمک مستقیم ۶۰۰میلیون‌دلاری است که بسیاری از شهروندان دریافت خواهند کرد. کمک‌هزینه برای افرادی که بی‌کار شده‌اند نیز به میزان هر هفته ۳۰۰ دلار افزایش می‌یابد. همچنین قرار است کنگره، بودجه دولت آمریکا در ۹ ماه آینده را تصویب کند که حدود یک‌تریلیون‌و چهارصد میلیارد دلار ارزش دارد. بودجه کمکی آمریکا برای کسانی که همه‌گیری ویروس کرونا آنها را بی‌کار و بی‌درآمد کرده تا ۱۰ روز دیگر تعیین می‌شود و شروع سال نوی میلادی به پایان می‌رسد. تصویب کمک‌های جدید، امیدی دوباره برای کسانی است که این روزها با مشکلات زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. از ماه اکتبر به این سو، دولت آمریکا با بودجه موقتی کار می‌کرده است. اگر قانون‌گذاران به نتیجه نمی‌رسیدند هم دولت آمریکا تعطیل می‌شد و هم کسانی که وابسته به بودجه بی‌کاری بودند، بدون کمک می‌ماندند. در بودجه کمکی جدید، مقرر شده که دولت آمریکا به اکثر مردم این کشور حدود ۶۰۰ دلار بپردازد. پیش‌تر در فصل بهار، دولت آمریکا ۱۲۰۰ دلار به افراد داده بود. دولت امیدوار است که مردم با خرج‌کردن این پول‌ها به چرخش اقتصادی کمک کنند. با این حال، آمریکایی‌ها در ماه‌های اخیر با مشکلات مالی بسیاری روبه‌رو هستند.

وسیله به اطلاع میرساند شرکت کانی کاوش دانیال با شناسه ملی ۱۴۰۰۵۹۶۰۱۷۴ طی نامه وارده به شماره ۳۵۷۷۷۲ مورخ ۹۹/۰۷/۲۷ اعلام نموده است که پروانه بهره برداری معدن تراورتن سیلور گوی آغاج تکاب به شماره ۱۱۲/۷/۲۵۵۵۱۴ مورخ ۹۱/۱۲/۱۲واقع در ۲۴ کیلومتری غرب تکاب مفقود و تقاضای صدور پروانه المثنی را کرده است، لذا مراتب صرفا طی یک نو بت آگهی میشود تا چنانچه هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به حقوق مربوط به پروانه بهره برداری یاد شده ادعایی داشته باشد با در دست داشتن مستند ادعا حداکثر ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی به سازمان صنعت معدن تجارت استان آذربایجان غربی مراجعه نماید . در غیر اینصورت بعد از انقضای مهلت مذکور نسبت به صدور پروانه بهره برداری المثنی اقدام خواهد گردید.

مدرک کارشناسی اینجانب **داریوش فخری طبالوندانی** فرزند یوسف به شماره شناسنامه ۳۴۵۹۸ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ناپیوسته رشته مهندسی عمران(راه و ساختمان)صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب مفقود گردیده است وفاقد اعتبار می باشد.از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران- خیابان کریم خان زند- خیابان ایرانشهر شمالی- نبش آذرشهر- پلاک ۲۰۹ ویا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

امارات بی‌سروصدا به پروژه مشترک گازی اسرائیل، مصر و اروپا پیوست

دورزدن آنکارا و مسکو در مدیترانه شرقی

در صورت اجراشدن خط لوله «ایست‌مد» و صادرات گاز اسرائیل به اروپا، سهم روسیه در این بازار کاهش می‌یابد

اقدام اخیر امارات متحده عربی در پیوستن به مجمع گاز مدیترانه شرقی به‌عنوان عضو ناظر، گام ویژه‌ای است که «محمد بن‌زاید»، ولیعهد این کشور، با زیرکی برداشته است. این همکاری به آن معناست که اگر آنکارا بخواهد با استفاده از قطر نقش ویژه‌ای در میان اعراب خلیج فارس بازی کند، در آن‌سو، ابوظبی با پیوستن به این مجمع منطقه‌ای، ایفاگر نقش جدیدی در مدیترانه شرقی خواهد بود؛ منطقه‌ای که نه‌تنها برای «رجب طیب اردوغان»، رئیس‌جمهوری ترکیه، اهمیت گسترده‌ای دارد، بلکه برای «ولادیمیر پوتین»، همتای روس او نیز منطقه پرچالشی است.

به گزارش روزنامه ایندیپندنت، مجمع گاز مدیترانه شرقی (EMGF) ازسوی مصر، اسرائیل، یونان، قبرس، ایتالیا و اردن به‌عنوان سازمانی بین‌دولتی در مراسمی مجازی به میزبانی قاهره در ماه سپتامبر تأسیس شد و امارات شنبه گذشته به آن پیوسته است. براساس این ائتلاف، با عملیاتی‌شدن پروژه خط لوله «ایست‌مد» (EastMed) که تصمیم نهایی درباره سرمایه‌گذاری در آن تا سال ۲۰۲۲ گرفته خواهد شد، حدود ۱۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی ازطریق یونان و ایتالیا به اتحادیه اروپا منتقل می‌شود. طبق گزارش‌های منتشرشده، کشورهای پیشرو در این مجمع نه‌تنها متعهد شده‌اند به قوانین بین‌المللی احترام بگذارند، بلکه اعلام کرده‌اند برای تبدیل‌شدن به یک منطقه ویژه برای تأمین گاز جهانی تلاش کنند. به گفته متخصصان، دولت مصر اکنون به‌خوبی فهمیده که آینده بزرگی در انتظار مدیترانه شرقی است و به همین دلیل مجموعه‌ای از اقدامات اقتصادی، سیاسی و نظامی را در این زمینه انجام داده و شبکه‌ای مهم از کشورهایی تشکیل داده است که نگران تأمین منافع و امنیت جمعی خود هستند. با این ائتلاف نه‌تنها ترکیه در مدیترانه شرقی تنها می‌ماند، بلکه روسیه نیز مشتری مهم گازی خود، یعنی اروپا را از دست می‌دهد. پس از آنکه فرانسه خواست به این مجمع بپیوندد و ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا نیز خواهان پیوستن به این مجمع به‌عنوان عضو ناظر شدند، ترکیه خود را در مدیترانه شرقی تنهاتر از گذشته احساس می‌کند و در تلاش است این بازی را به هم بزند؛ اما پس از تحولات اخیر در مدیترانه شرقی و با توجه به ائتلاف به‌وجودآمده، مصر به کشوری کلیدی در مدیترانه شرقی تبدیل شده است. همچنین با توجه به اختلاف شدید ترکیه با مصر بعد از برکناری «محمد مرسی»، رئیس‌جمهوری سابق این کشور، قاهره با رفتن به سمت اسرائیل، صف‌آرایی جدیدی را در منطقه صورت داده است؛ بنابراین مسئله مدیترانه شرقی نیز به تنش‌ها میان مثلث ترکیه- اسرائیل- مصر که پیش از این در مسئله قبرس نیز مطرح بود بدون آنکه راه‌حلی برای آن ارائه شود، افزوده شده است.

نادیده‌گرفتن مسیر ترکیه

مسیر ترکیه برای ترانزیت منابع گاز دریای مدیترانه به اروپا یکی از کوتاه‌ترین مسیرها بود. درحال‌حاضر مقدمات انتقال گاز میدان «شاه‌دنیز» آذربایجان از طریق خط لوله «تاناپ» و «تاپ» آماده شده است و انتظار می‌رود سال آینده گاز آذربایجان به اروپا برسد. اگر پروژه خط لوله مدیترانه شرقی از خاک ترکیه عبور می‌کرد، ترکیه این امکان را می‌یافت تا هم بخشی از نیاز داخلی را از این طریق تأمین کند، هم از حق ترانزیت برخوردار شود و هم در امنیت انرژی اروپا نقش بیشتری ایفا کند. اوایل ماه دسامبر وزارت خارجه ترکیه به اسرائیل هشدار داد که عبور هرگونه خط لوله گاز از دریای مدیترانه به اروپا، باید با موافقت ترکیه انجام شود. در همین زمان، نیروی دریایی ترکیه کشتی تحقیقاتی اسرائیل را که در حال حرکت در آب‌های نزدیک قبرس بود، وادار کرد منطقه را ترک کند.

پیش از این درگیری‌ها، تل‌آویو و آنکارا توافق کرده بودند تا گاز اسرائیل ازطریق خاک ترکیه به اروپا منتقل شود. در ماه اکتبر سال ۲۰۱۷ «درور کوهن»، مشاور وقت وزیر زیرساخت، انرژی و آب اسرائیل، در گفت‌وگو با خبرگزاری آناتولی ترکیه اعلام کرده بود مذاکرات برای انتقال گاز اسرائیل به اروپا از خاک ترکیه در مرحله «نهایی» قرار دارد و تأکید کرده بود «هم‌اکنون طرفین روی قیمت گاز، مسیر ساخت خط لوله، مقاصد نهایی و حجم گاز صادراتی مذاکره می‌کنند». اما روابط پرتنش بین اسرائیل و ترکیه، تل‌آویو را منصرف کرد و این تصمیم با اعتراض آنکارا مواجه شد. ترکیه معتقد است چون خط لوله مدیترانه شرقی از آب‌های اقتصادی ترکیه عبور می‌کند، باید رضایت این کشور نیز جلب شود.

بی‌تفاوتی مسکو

اما این خط لوله تنها منافع اقتصادی آنکارا را از بین نمی‌برد، بلکه باعث می‌شود وابستگی گازی اروپا به گاز روسیه نیز کاهش یابد؛ آن‌هم در شرایطی که مسکو درحال‌حاضر دو پروژه «ترک استریم» و «نورد استریم۲» را در حال اجرا دارد و قرار است پروژه ترک استریم هشتم ماه ژانویه در سفر پوتین به ترکیه افتتاح شود. اما سنای آمریکا اخیرا شرکت‌های دخیل در این دو پروژه را تحریم کرده تا مانع اتمام پروژه نورد استریم۲ شود.

روابط تجاری بین روسیه و ترکیه بیش از ۲۰ میلیارد دلار است و دو کشور در راستای اجرای پروژه خط لوله نورد استریم۲ همکاری دارند که این خط انتقالی هم گاز روسیه را به آلمان می‌رساند. هرچند اروپا تاکنون نتوانسته میزان استقلال عمل و حاکمیت خود را برای تکمیل این پروژه بسیار سودآور نشان دهد، ولی روسیه در تحقق این پروژه و امنیت آن روی ترکیه حساب باز کرده است. کاخ کرملین با دقت پروژه‌های انتقال انرژی منطقه را با هدف حضور فعال در پروژه‌های اکتشاف، استخراج و انتقال انرژی در منطقه رصد می‌کند و بازار اتحادیه اروپا اولویت اول روسیه است. با بهره‌برداری از پروژه ترک استریم، این کشور ۱۵.۵ میلیارد مترمکعب گاز به ترکیه و ۱۵.۵ میلیارد مترمکعب به اروپا صادر خواهد کرد. روسیه همچنین درصدد افزایش صادرات ال‌ان‌جی به اروپاست و به نظر نمی‌رسد در کوتاه‌مدت سهم این کشور در بازار اروپا کاهش یابد. با وجود تمام این شرایط، کاخ کرملین تاکنون واکنش خاصی به پروژه مدیترانه شرقی نشان نداده است.

از سوی دیگر، روسیه برای پیشبرد اهداف خود، هم یونان و هم ترکیه را در مدیترانه شرقی به‌خوبی مدیریت می‌کند. به نظر می‌رسد صادرات تسلیحاتی روسیه به‌سرعت در حال تبدیل‌شدن به ابزاری در تاکتیک‌های قدرت و ایجاد شرایط ارعاب از سوی یونان و ترکیه است؛ زیرا یونان در راه‌اندازی و استفاده از موشک‌های اس-۳۰۰ گام برداشته و ترکیه نیز به‌تازگی اقدام به نصب و پرتاب‌های آزمایشی اس-۴۰۰ کرده است و با وجود انتقاد ایالات متحده، اردوغان به‌صراحت اعلام کرده ترکیه برای حفظ شرایط دفاعی خود نیازمند کسب اجازه از هیچ دولتی نیست. همین رویکرد اردوغان عاملی در جلب نظر پوتین است. روسیه هرچند تلاش دارد تأثیر غیرمستقیمی در رویارویی بین ترکیه و یونان داشته باشد و حمایت قاطع از یکی از اردوگاه‌های موجود را نشان ندهد، اما کاهش یا افزایش تنش‌های کنونی در دست کرملین است.

همکاری مصر با امارات

به گفته تحلیلگران، پیوستن امارات به این مجمع گازی به معنای آن است که همه‌چیز در منطقه در حال تغییر است. به گفته آنان، بسیاری از کشورهای عربی و اروپایی ازجمله مصر و امارات متوجه شده‌اند که تهدید ترکیه بیش از حد خطرناک است و با اقدامات جداگانه نمی‌توان رؤیاهای رجب اردوغان را مهار کرد و این مسئله بیش از هر چیزی به هماهنگی احتیاج دارد.

این در حالی است که در سال‌های گذشته اردوغان از خلأ امنیتی بهره برده و حضور خود را در سوریه و عراق تثبیت کرده و هم‌زمان با تلاش برای افزایش ردپاهای خود در آسیا، نیروهایش را به منطقه خلیج فارس و لیبی اعزام کرده است. در حقیقت آنکارا بر این باور است که تفاهم‌های تاکتیکی با روسیه و ایالات متحده برای آنکه ترکیه بتواند استراتژی‌هایش را پیش ببرد، کافی است؛ اما این مجمع گازی و عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با اسرائیل، به خوبی نشان داده که توازن قدرت در حال تغییر است.

منابع سیاسی در قاهره می‌گویند مصر آماده است تا به‌طور مؤثر و عینی در برابر ترکیه قد علم کند و در این مسیر به درگیری‌های سیاسی معمولی رضایت نخواهد داد. به گفته این منابع، مصر اکنون دارای کارت گازی حیاتی است که موقعیت قاهره را بیش از پیش تقویت می‌کند. یکی از مقامات مصری بدون ذکر نامش به رویترز می‌گوید: «ترکیه از نظر سیاسی منزوی شده و هرگونه افراط و تفریط ممکن است به آنکارا این فرصت را بدهد تا نیروهایش را در مناطق مختلف منطقه مستقر کند؛ بنابراین لازم است گام‌هایی برداشته شود که عملا از نقش قاهره در برابر آنکارا پشتیبانی کند».

ایندیپندنت می‌نویسد: «دیپلماسی انرژی در دریای مدیترانه به روزهای حساسی نزدیک می‌شود. اگر مشکلات ترکیه با کشورهای منطقه در چارچوب مشخصی با درنظرگرفتن منافع طرفین حل شود، می‌توان پروژه خط لوله مدیترانه شرقی را خط لوله صلح نامید. اما اگر پروژه اجرائی شود، اسرائیل به تأمین‌کننده امنیت انرژی اروپا و به بازیگر منطقه‌ای انرژی تبدیل خواهد شد و می‌تواند با افزایش تولید و صادرات انرژی، روابط خود را با کشورهای عربی بهبود بخشد. اکنون باید دید کشورهای حاضر در مدیترانه شرقی کدام راه‌حل برای ازبین‌بردن چالش‌های موجود انتخاب می‌کنند».

کرامت و درماندگی، ۲ چهره بهار عربی

۱۰ سال پس از آغاز بهار عربی، زمان آن است که بپذیریم ممکن است شرایط وقوع انقلاب دیگر هرگز فراهم نشود.

هفدهم دسامبر ۲۰۱۰، «محمد بوعزیزی» با خودسوزی در شهر «سیدی بوزید» در مرکز تونس، آتش تحولات بهار عربی را روشن کرد. حدود دو هفته بعد، جراحت‌های ناشی از این خودسوزی باعث جان‌باختن او شد؛ اما هنوز خیلی زود است که بگوییم بهار عربی نیز سرنوشتی کم‌وبیش مشابه بوعزیزی جوان پیدا می‌کند.

درحالی‌که او در بستر مرگ بود، اعتراض‌های مردمی به سمت پایتخت تونس سرازیر شد و سرانجام حکومت ۲۴ساله با مشت آهنین و فاسد «زین‌العابدین بن‌علی» سقوط کرد و رئیس‌جمهور تونس در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ به عربستان گریخت. هرگز انتظار نمی‌رفت که حکومت بن‌علی در تونس سقوط کند، همین‌طور «حسنی مبارک» در مصر و «معمر القذافی» در لیبی؛ اما این حکومت‌ها درپی وقوع بهار عربی ساقط شدند.

این تصور وجود داشت که «علی عبدالله صالح» به یمن حضور در سطح اول قدرت در یمن، هنر مدیریت چالش‌ها و بحران‌ها را آموخته باشد. همچنین «بشار اسد» هم با وجود بروز جنگ داخلی در سوریه توانست قدرت را حفظ کند.

تحولات اواخر سال ۲۰۱۰ و سراسر سال ۲۰۱۱ بسیار حیرت‌انگیز بود و دست‌کم اکثریت ناظران و سیاست‌مداران غربی انتظار آن را نداشتند. کمی بعد، روزنامه‌نگاران، تحلیلگران و مقام‌های رسمی نام «بهار عربی»را برای این تحولات برگزیدند؛ نامی که به‌نوعی شاعرانه بود، ولی به‌طور ضمنی این نتیجه‌گیری را در درون خود داشت که فارغ از اینکه خون‌های زیادی برای آن ریخته می‌شود، قرار نیست به ثمر برسد.

یک دهه از آن روزها و تحولات سریع و خشونت‌بار می‌گذرد. معنی آن شورش‌ها و قیام‌ها چه بود؟ در این سال‌ها مقالات زیادی درباره دلیل تبدیل بهار عربی به زمستان مرگ‌بار منتشر شده، بااین‌حال شاید هنوز برای نتیجه‌گیری خیلی زود باشد.

در هر حال، بهار پراگ هم ابتدا بی‌رحمانه خرد شد؛ اما دو دهه بعد، مردم چک‌اسلواکی، حکومت کمونیستی را ساقط کردند. با وجود این، این ایده که خیزش‌های دهه گذشته در خاورمیانه زمینه موفقیت در آینده را فراهم کرده است، چندان با استقبال فعالان و تحلیلگران روبه‌رو نشد.

ممکن است زمستان و بهار ۲۰۱۰-۲۰۱۱ مقدمه‌ای برای تغییر باشد که به آرامی رخ می‌دهد، ولی تغییراتی ناگزیر است. این تغییرات به‌طور حتم اقتدارگرایان منطقه را سرنگون خواهد کرد و زمینه را برای سیاست‌های دموکراتیک فراهم می‌کند؛ اما دوباره باید تأکید که این تحولات به کندی رخ خواهد داد.

با وجود اینکه بهار عربی ثمرات چندانی به سود دموکراسی در خاورمیانه نداشت، نمی‌توان انکار کرد که از زمان خودسوزی بوعزیزی، خاورمیانه با تغییرات زیادی روبه‌رو شده است.

این خیزش‌ها گفتمان منطقه را تغییر داده و نشان داده است که مراکز قدرت شکست‌ناپذیر نیستند و این واقعیت، نویدبخش آینده‌ای بهتر برای مردم خواهد بود. اینها عواملی است که فعالان سیاسی می‌توانند در صورت ایجاد فرصت جدید برای به‌چالش‌کشیدن اقتدار رهبران، از آنها به سود خود و برای تضعیف طرف مقابل استفاده کنند. بااین‌حال مدافعان رژیم‌های اقتدارگرا نیز تغییر شکل و سیاست داده‌اند؛ چراکه از نظر آنها، شرایط میدان نبرد تغییر کرده است.

حامیان رژیم‌های اقتدارگرای منطقه وقایع رخ‌داده در یک دهه گذشته را انحرافی و تحریف نظم طبیعی امور می‌دانند و بنابراین مصمم به نظر می‌رسند که هرگز این امکان را ایجاد نکنند که فضاهای عمومی، خصوصی و مجازی دوباره به حوزه‌های مخالفت علیه حکومت‌ها تبدیل شوند.

با توجه به اینکه سرویس‌های امنیتی مصر در دهه گذشته چیزهای زیادی درباره تجمعات اعتراض‌آمیز و نحوه سرکوب آنها آموخته‌اند، اجرائی‌کردن مکانیسم بسیج گسترده مردم بسیار دشوارتر از یک دهه قبل خواهد بود. بااین‌حال، هنوز هم بسیاری از مقام‌های نظامی ارشد مصری و همتایان آنها در دیگر کشورهای منطقه، نسبت به کسانی که یک دهه قبل مسئول برقراری نظم و ثبات در کشورهای خود بودند، مطلع‌تر و داناتر نیستند.

نحوه اندیشیدن و نگاه ناظران درباره آنچه در آینده در کشورهای عربی رخ خواهد داد، کاملا به آنچه ۱۰ سال قبل به آن فکر می‌کردند و تحولاتی که در پی آن رخ داد، بستگی دارد. در این مورد، میان مخالفان حکومت‌های اقتدارگرا کمتر از آنچه انتظار می‌رود، توافق وجود دارد.

آیا این قیام‌ها را می‌توان انقلاب نامید؟ به روشی غیرعادی و برخلاف تعاریف کلاسیک، آنها مانند انقلاب به نظر می‌رسند؛ مردم برخاستند و رهبران سقوط کردند. اما انقلاب‌ها پیچیده‌تر هستند. وقوع انقلاب مستلزم سرنگونی نظام سیاسی و نظم اجتماعی متقابل است. این همان اتفاقی است که در سال ۱۹۷۹ در ایران رخ داد؛ اما در کشورهای عربی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ چنین اتفاقاتی رخ نداده است. رهبران مستبد سقوط کردند، ولی ساختار سیاسی و نظم اجتماعی سابق همچنان برقرار است و شاهد تغییرات عمیق و ساختاری ناچیزی بوده‌ایم.

پس چگونه این تحولات را می‌توان «بهار» دانست و این تحولات چگونه می‌توانند نویدبخش آینده‌ای بهتر باشند؟ اطلاق عنوان «بهار عربی» ناشی از شعارهای مردم برای برخورداربودن از حقوق خود ازجمله «نان، آزادی و عدالت اجتماعی» بود. این حقوق زمانی احقاق می‌شد که رهبران مستبد از کاخ‌ها بیرون می‌رفتند و ساختار سیاسی و اجتماعی متحول می‌شد. بااین‌حال، با نگاهی به یک دهه گذشته، درک این مسئله دشوار است که چرا هرکسی می‌تواند استدلال کند که این خیزش‌ها چیزی بیش از رنج و اندوه تولید کرده است.

البته این به آن معنا نیست که خیزش‌ها اشتباه بوده است. تونسی‌ها، مصری‌ها، لیبیایی‌ها، سوری‌ها، یمنی‌ها، بحرینی‌ها و مردم دیگر کشورها در واکنش به شرایط تلخ حاکم بر زندگی‌شان قیام کردند و خواستار آینده بهتر شدند؛ اما اغلب آنها یا با مشت آهنین سرکوب شدند یا وضعیت زندگی‌شان بدتر از ۱۰ سال قبل شد.

آیا این امر باعث می‌شود ساکنان خاورمیانه مردمی استثنائی لقب بگیرند؟ خیر. انقلاب‌ها نادر هستند و شکست و ناکامی در روند انتقال به دموکراسی بیش از موفقیت‌هایش است. اگر فعالان سیاسی دوباره موفق شوند فضاهای عمومی شهرهای عربی را با خواسته‌های خود برای پایان‌دادن به رژیم‌های مستبد اشغال کنند، باز هم هیچ تضمینی برای دستیابی به نتیجه متفاوت وجود نخواهد داشت؛ فقط می‌توان امیدوار بود.

منبع: فارن‌پالیسی

نگاه

اردوغان باید با تحریم‌ها کنار بیاید

محمود فاضلی

● با آغاز به کار «جو بایدن» در کاخ سفید در ژانویه آینده، ناتو امیدوار است که پس از دوران ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ»، روابط بین آمریکا و اروپا دوباره گرم شود و حضور بایدن در مسند ریاست‌جمهوری، امیدها را برای بهبود روابط فراآتلانتیک افزایش دهد. «ینس استولتنبرگ»، دبیرکل ناتو از برگزاری اجلاس فوق‌العاده در آغاز سال ۲۰۲۱ با حضور بایدن پس از تحویل قدرت در واشنگتن خبر می‌دهد. بسیاری در اروپا به انتظار تغییرات اساسی در ناتو پس از سخنان سال گذشته رئیس‌جمهوری فرانسه با عنوان «مرگ مغزی» ناتو هستند، عبارتی که از عمق اختلافات داخلی پیمان نظامی ناتو حکایت داشت. ترامپ هنگام ورود به کاخ سفید از اروپایی‌ها خواسته بود هزینه‌های دفاعی خود را حداقل به دو درصد از تولید ناخالص داخلی خود افزایش دهند. او بیشترین حملات را علیه صدراعظم آلمان متمرکز کرده بود. بی‌تردید پس از روی‌کارآمدن بایدن و عادی‌شدن شرایط چالش‌های عمیق ناتو ادامه خواهد داشت. یکی از این چالش‌ها روابط سرد ترکیه با اتحادیه اروپا و جایگاه این کشور در ناتو است. اگرچه تنش میان ترکیه و یونان در دریای مدیترانه شرقی و لغو تمرین‌های نظامی‌توسط دو کشور تا حدودی طرفین را از تنش و درگیری نظامی دور کرده اما این مسئله به‌طور اساسی حل نشده است. دبیرکل ناتو تلاش‌های دیپلماتیک در اختلافات ترکیه با یونان را بستر مهمی برای رایزنی‌ها و گفت‌وگوهای فنی به منظور تکمیل تلاش‌های دیپلماتیک می‌داند. اما «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا به عنوان نماینده جناح تندرو در ناتو، خرید سیستم‌های تسلیحاتی روسیه از سوی ترکیه را هدیه به مسکو تعبیر کرده و مدعی است آنکارا امنیت ناتو را تضعیف کرده و در نزاع با یونان و قبرس بر سر منابع گاز، موجب بی‌ثباتی در شرق مدیترانه شده است. به اعتقاد طرف ترک، آمریکا به طرفداری از یونان در درگیری‌های منطقه‌ای پرداخته و از فروش تسلیحات ضدهوایی پاتریوت ساخت آمریکا به آنکارا خودداری کرده است. ترک‌ها امیدوارند با روی‌کارآمدن بایدن روابط میان واشنگتن و آنکارا بهبود یابد. جایگاه ترکیه در ناتو همیشه اهمیت ویژه‌ای دارد. ترکیه که در دسترسی به خاورمیانه از اهمیت حیاتی برخوردار است، در ائتلاف غرب به یک مشکل تبدیل شده است. ترکیه تحریم‌هایی را که کنگره آمریکا به خاطر خرید سیستم موشکی اس-۴۰۰ از روسیه علیه این کشور اعمال کرده، یک عمل اشتباه از سوی آمریکا می‌داند. آنکارا مدعی است در زمان مقتضی، واکنش درستی به این عمل نادرست نشان خواهد داد و تأکید می‌کند، تحریم‌های آمریکا نمی‌تواند صنعت دفاعی این کشور را از پیشرفت بازدارد و این تحریم‌ها را حمله به حقوق حاکمیتی ترکیه می‌خواند. به گفته «خلوصی آکار» وزیر دفاع ملی ترکیه، «کشورش با تهدیدات حملات موشکی و هوایی روبه‌روست. ترکیه به علت خرید سامانه پدافند موشکی و هوایی دوربرد اس-۴۰۰ برای مقابله با حملات موشکی منطقه‌ای خلاف اصول «پیمان‌های همکاری اتحاد» توسط آمریکا تحریم شده است. تحریم‌های آمریکا خلاف واقعیت‌های موجود نظامی و دلایل سیاسی واقعی است. تحریم علیه ترکیه عضو ناتو، به روح اتحاد پیمان ناتو ضربه می‌زند و اعتماد بین متحدان ناتو را به‌شدت متزلزل می‌کند». مشاجره درباره خرید سیستم موشک دفاع هوایی اس-۴۰۰ که در حال حاضر بهترین در نوع خود در جهان است، مدت‌هاست که بین غرب و ترکیه وجود دارد. آمریکایی‌ها به‌خاطر مشاجره در این زمینه، ترکیه را قبلا از پروژه مشترک ساخت هواپیماهای اف-۳۵ اخراج کرده و از فروش این هواپیماها به آنکارا خودداری کردند. کنگره آمریکا خلاف تمایل ترامپ، این تحریم‌های جدید را علیه ترکیه اعمال کرده و کمیسیون تسلیحاتی در کنگره اعلام کرده که این تحریم‌ها علیه اردوغان به‌خاطر سیاست امنیتی اعمال می‌شود. این تحریم‌ها علیه مدیر مرکز دفاعی ترکیه و سه همکار دیگر اوست که در اصل مانند یک وزارتخانه بوده و مستقیما زیر نظر اردوغان اداره می‌شود. در راستای این تحریم‌ها، ممنوعیت سفر به آمریکا برای این چهار مدیر این سازمان و توقیف دارایی‌های آنها و ضمنا ممنوعیت صدور قطعات تسلیحاتی در آمریکا هم علیه آنها و کشورشان اعمال می‌شود. اردوغان باید به‌گونه‌ای با این تحریم‌ها کنار بیاید. ترکیه توجه خود را بیشتر به تولید سلاح‌های مدرن در داخل و فروش آنها به کشورهای ثروتمند خواهد کرد. تعداد شرکت‌های تولید سلاح در ترکیه در حال افزایش است و پهپادهای تولید ترکیه به‌ویژه پس از استفاده آنها در جنگ در سوریه، لیبی و قره‌باغ، به‌عنوان یک سلاح معجزه‌آسا و امتحان پس‌داده به حساب می‌آیند. دبیرکل ناتو نیز از اعمال تحریم آمریکا علیه ترکیه به دلیل خرید سامانه اس-۴۰۰ ابراز ناراحتی کرده و می‌گوید، قبلا نگرانی خودم را از خرید سامانه‌های اس-۴۰۰ از سوی ترکیه بیان کرده بودم. سامانه اس-۴۰۰ با سامانه ناتو سازگار نیست و نمی‌توان آن را با سامانه دفاع هوایی و موشکی ناتو سازگار کرد. از ترکیه و تمامی هم‌پیمانان‌مان می‌خواهم در جست‌وجوی راه‌حل باشند. می‌دانیم که قبلا دیدارهایی در زمینه خرید سامانه‌های ناتو نظیر پاتریوت و SAMP-T انجام شده است. این سامانه‌ها می‌توانند توان دفاع هوایی ترکیه را تقویت کرده و با ناتو سازگار باشند.